

## شهرنشینی امروز در سایه سنت و مدرنیسم

«مدرنیته» که با مفهوم توسعه در ارتباط است مسیر اجتناب‌ناپذیر شهرهای امروزی در گذر زمان محسوب می‌شود.



جام جم آنلاین: #171 مدرنیته» که با مفهوم توسعه در ارتباط است مسیر اجتناب‌ناپذیر شهرهای امروزی در گذر زمان محسوب می‌شود. رها شدن از سنت‌های ناکارآمد شهری و روند مدرنیزاسیون بالطبع خالی از اشکال نخواهد بود، اما برخی نارسایی‌های ذاتی و اکتسابی شهرها الزامات مدرنیته را به منشاء برخی معضلات تبدیل می‌کند که در بخش‌هایی نظیر خدمت‌رسانی، معماری و طراحی سازه‌ها، شیوه‌های انجام کار و شیوون روزمرگی تجلی می‌یابد.

چنین معضلاتی از طریق ایجاد واکنش‌های منفی، سردرگمی و تعلیق و در نهایت کندکردن روند مدرن‌شدن مسیر توسعه شهرها را ناهموار و طولانی جلوه می‌دهد به طوری که گاهی خلاصی از دست آنها نزد شهروندان ناممکن به نظر می‌رسد. مدرنیته شهری یک الزام و تنها گزینه پیش رو است که پاسخگویی به نیازهای اولیه و ثانویه شهروندان را تسهیل می‌کند و ظرفیت‌های ویژه در مناسبات شهری می‌آفریند تا روند ارضای نیازهای متغیر و رو به رشد شهرنشینان متوقف نشود. می‌توان این گونه نتیجه گرفت که گیرافتادن در مسیر توسعه‌یافتگی و مدرن‌شدن نه راه پس و بازگشت به سنت را برای شهر باز می‌گذارد و نه آنها را قادر می‌سازد به مدتی طولانی در این وضعیت ناهنجار و تعلیق‌گونه دست و پا بزنند. شیوه‌های منطقی، زمان معقول و پذیرش جامع شیوون جدید کلیدواژه‌های مدرنیته شهری محسوب می‌شود که تحقق آنها در شهری نظیر تهران از مدت‌ها پیش با دشواری جدی مواجه است.

### مدرنیسم و کیفیت شهرها

مدرنیسم به معنای نوگرایی و نوسازی است و انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن 18 میلادی که باعث پیشرفت‌های صنعتی، فنی، اقتصادی و اجتماعی بود، زمینه‌های تحقق آن را در شهرها پدید آورد. برخی صاحب‌نظران ریشه‌های مدرنیسم شهری را در تغییر شیوه‌های زندگی شهروندان غربی در فاصله سال‌های 1890 تا 1930 میلادی جستجو می‌کنند که نوعی تناسب میان پیشرفت‌های علمی و فنی با شیوون روزمرگی ایجاد کرد. در این دوره و سال‌های پس از آن، معماران بزرگ و برجسته‌ای نظیر هنری جورج، فریتس شوماخر، لوکوربوزیه و ... به شناسایی مدرنیسم و ارائه ایده‌هایی برای به‌کارگیری فناوری و علوم اجتماعی در شهرهای نوین شهری پرداختند و بنای جدیدی مبتنی بر تغییر نگرش درباره شهرهای سنتی و اولیه پی‌ریزی شد. هنری جورج، شهرهای بزرگی را غده نامید چرا که از پیوند با روح طبیعت محروم شده‌اند و به جای کیفیت به مفهوم کمیت و کثرت‌گرایی دامن زده‌اند. شوماخر معتقد بود معماران، شهرهای مدرن را نمی‌سازند، بلکه قانونگذاران قالبی می‌آفرینند و کاسبکاران آن را پر می‌کنند. جالب این که این نظریه‌ها که در نقد شهرهای سنتی یا بهتر بگوییم شهرسازی اصطلاحاً مدرن غیراصولی برآمده‌اند هنوز در بسیاری از شهرهای جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه، مصداق عینی و ملموس دارند. لوکوربوزیه، معمار برجسته جهانی طرحی چشم‌نواز برای یک شهر مدرن ارائه داد و ایده‌ها و مفاهیمی عقلایی و زیبایی‌شناسانه برای معماری عناصر شهری و تسهیل شیوون زندگی ساکنان پدید آورد. وی این شهر مدرن را توسعه با قاعده و ارگانیک معرفی کرد که در تقابل با شهرهای سنتی موجود قرار می‌گرفت و معیار اصلی آنها مبنی بر مرکزگرایی را پس می‌زد.

دکتر حسن گلستانی، کارشناس شهرسازی و معماری حذف شهرهای بدون کیفیت و تقویت پیوندهای منطقی در اجتماع و رسیدن به یک بنیان جامع را از اهداف مدرنیته شهری می‌داند و در این باره توضیح می‌دهد: اصالت مدرنیته شهری از توجه آن به نیازهای اولیه و سطح بالای انسان در گستره‌های اجتماعی، معیشتی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی، تفریحی و ... ناشی می‌شود. بر این اساس، بخشی از شیوون سنتی نظیر ارتباطات محلی، توجه به محیط زندگی، درون خانه و بیرون آن، همزیستی با طبیعت و ... را احیا می‌کند. در مقابل وسعت بیش از اندازه شهر، تمرکزگرایی، انعطاف‌ناپذیری، تکرار کسل‌کننده ناشی از انبوه‌سازی، ساخت و ساز بلندمرتبه و دنداندار، تعارض کاربری‌ها و تک‌بعدی‌بودن‌ها را از بین می‌برد. به دلایل بسیار، شهرهای امروزی نظیر تهران از ایمنی تهی شده‌اند. تعارض کاربری‌ها، دشواری دسترسی، تداخل بافت صنعتی با بافت مسکونی، انواع آلودگی‌ها، ترافیک، کمبود امکانات رفاهی برای همه اقشار و ... چهره شهر را خاکستری کرده است و مدرنیته می‌تواند به نو شدن فیزیکی و روانی آن کمک کند. وی می‌افزاید: کالبد تهران مصادیقی برای گیرافتادن یک شهر در گذر از سنت به مدرنیته است و ریشه‌های این درج‌زدن و تعلیق میان نیازهای اولیه و متعالی شهروندان با نحوه ارضای آنها را باید در معضلاتی دانست که پیش‌روی مدرنیته قرار دارد و شیوون آن را مخدوش و گاهی فسخ می‌کند. تهران شهری سنتی نیست اما مدرن هم نیست.

به گفته این کارشناس کشمکش میان سنت و مدرنیته در همه ابعاد جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، روانشناختی، اقتصادی و ... این شهر وجود دارد و آن را به جمعه‌بازاری تبدیل می‌کند که می‌تواند مایوس‌کننده، شگفت‌آور، بی‌قاعده و بلا تکلیف باشد.

نکته: تحقق مدرنیسم در شهرها به افکار مدرن و پیشرو احتیاج دارد. تقاضای شهروندان، نوع نگرش آنها و واکنش جمعی در برابر مظاهر مدرنیسم در محیط زندگی و شیوه‌های انجام امور در پیشرفت مدرنیسم و نوگرایی موثر است

وی وضعیت پارک‌های بزرگ و معروف تهران در روزهای پایانی هفته را مثالی در این باره معرفی می‌کند و می‌افزاید: نیاز شهروندان به نوعی از تفریح که پیک‌نیک خانوادگی نامیده می‌شود و عدم دسترسی به بافت‌های طبیعی و پردار و درخت در حومه و حاشیه شهر یا کمبود ظرفیت چنین مکان‌هایی پارک‌ها را به محلی برای پیک‌نیک تبدیل می‌کند، در حالی که کاربری پارک بر اساس آنچه در معماری مدرن تعریف می‌شود، با این موضوع سنخیتی ندارد. محیط طبیعی پارک‌ها حفاظت شده محسوب می‌شود ولی شاهد هستیم که افراد روی چمن یا در محوطه گلکاری پارک بساط پهن می‌کنند و تخریب آن را موجب می‌شوند. گلستانی می‌گوید: مثال دیگر وضعیت ترافیک است. در شهر مدرن، ترافیک روان با رعایت فرهنگ درست رانندگی عجین می‌شود و آرامش و امنیت به وجود می‌آورد. در مقابل ترافیک سنگین تهران موجب می‌شود بسیاری از افراد به دلیل غلبه نیازهای مدرن که استفاده بهینه از وقت یکی از آنهاست، به خلاف‌های رانندگی رو بیاورند و وضعیت بحرانی و نایمن رقم می‌خورد. چنین شرایطی جمع‌بازاری را در ذهن تداعی می‌کند که در آن عده‌ای راضی و دست پر و عده‌ای دیگر ناراضی، معبون و متضرر بازمی‌گردند. در حالی که مدرنیته شهری بنیانی واحد و جامع را جستجو می‌کند که بر شیوه‌های تسهیل‌شده، قانونی، منطقی و روشن مبتنی است و آحاد شهروندان در آن به تعالی جسمی، روحی و روانی دست می‌یابند. وی تأکید می‌کند: مدرنیته برای زندگی امروز بشر یک نشانی یا کد ارائه می‌کند و می‌گوید هر چیزی باید کجا باشد، چگونه رفتار کند و چه تاثیری داشته باشد تا هم تناسب رعایت شود، هم نیازها برطرف شود و هم کاری با کار دیگر تداخل و تعارض نکند.

### دولت الکترونیک، زمینه‌ساز مدرنیسم شهری

تحقق مدرنیسم در شهرها به افکار مدرن و پیشرو احتیاج دارد. تقاضای شهروندان، نوع نگرش آنها و واکنش جمعی در برابر مظاهر مدرنیسم در محیط زندگی و شیوه‌های انجام امور در پیشرفت مدرنیسم و نوگرایی موثر است. در حقیقت باید گفت مدرنیسم شهری نوعی ایدئولوژی می‌طلبد که میزان پذیرش افکار عمومی برای روش‌های نو را تعیین می‌کند و نزدیکی نظرها و دیدگاه‌های شهروندان را به افکار مدیران موجب می‌شود که اصولاً باید پرچمدار مدرنیسم باشند. دکتر گلستانی با اشاره به این مطلب می‌گوید: در این باره لازم به توضیح است &#171#شهروند» مفهومی است که با مدرنیسم ارتباط دارد و جامعه مدرن همانی است که جامعه مدنی نامیده می‌شود.

شهرنشین تکلیفی برای خود نمی‌شناسد، برای اداره امور یا زندگی‌اش نظری ندارد، به دنبال منفعت خویش است و خود را نه یک جزء از کلیت بزرگ، بلکه همسایه‌ای برای دیگران می‌پندارد. در مقابل، شهروند بخشی از مشارکت شهری است، بر افکار دیگران تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد و شهروندی که مدیر هم باشد، تجسم اراده عمومی و خواست همشهریان است. چنین مدیری پرچم ترقی را به دست می‌گیرد، نگرش‌ها و نیازهای دیگران را می‌شناسد، بر افکار عمومی تاثیر می‌گذارد، شیوه‌ها و ابزار مدرن را به محیط زندگی جمعی وارد می‌کند و جریان مدرنیسم یا مدنیت را پیش می‌برد. این درست همان اتفاقی است که در تهران نیفتاده به گونه‌ای که اغلب صاحب‌نظران معتقدند این شهر از تفکر فراگیر جهانی‌شدن و مدرنیته که در عصر ارتباطات در ذهن شهروندان نقش بسته، عقب مانده است و نابسامانی‌ها و بلاتکلیفی‌ها در عرصه‌های خدمت‌رسانی، طراحی شهری، معماری، ترافیک و... نتیجه این عقب‌ماندگی محسوب می‌شود.

دکتر گلستانی در این باره توضیحات مفصلی ارائه می‌دهد: مدرنیسم شهری به یک برنامه جامع و هماهنگ بالادستی نیاز دارد که مرحله به مرحله پیش برود. برای بررسی موضوع می‌توان به مفهوم دولت الکترونیک اشاره کرد که مطرح‌شدن آن را می‌توان پاسخی به تغییرات روز دنیا و انتظارات نسبی شهروندان برای کاهش معضلات و تسهیل شیوه‌های انجام کار دانست.

وجود تفکر فراگیرمدرن، ابزارهای نو و استفاده مطلوب و تسهیل‌شده از آنها فرآیند مدرنیسم شهری را رقم می‌زند که به بستر و زیرسازي کامل و جامعی نیاز دارد. در این باره پرسش‌های بسیاری قابل طرح است که پاسخ به آنها نقایص پیش‌روی تحقق دولت الکترونیک را آشکار می‌سازد. باید پرسید برای انجام کارهای روزمره از طریق ارتباطات الکترونیک نظیر رایانه چه امکاناتی وجود دارد؟ چه تعداد از شهروندان به رایانه دسترسی دارند؟ چه تعداد کارکردن با آن را بلدند، میزان آموزش‌ها چه اندازه است؟ گستردگی، سرعت و دقت نظام ارتباطات الکترونیک چقدر مطلوب و کاربردی است و...

هنگامی که امکانات و زیرساخت‌های تحقق مدرنیسم موجود نباشد، پرداختن به مظاهر آن به جایی تسهیل روش‌های انجام کار به دشواری آن می‌انجامد. موضوع دیگر میزان پذیرش و اعتماد افراد به روش‌های نوین است. نه تنها بخش بزرگی از شهروندان بلکه بسیاری از مدیران شهری و اجتماعی در رده‌های مختلف یا از شیوه‌های نوین انجام کار بی‌اطلاعت یا آن را باور ندارند. این‌گونه است که روند مدرنیسم با مشکل مواجه می‌شود و برای مثال انجام کاری که تا بید 2 سازمان یا اداره مختلف را می‌طلبد، در یک مرحله به صورت الکترونیکی و در مرحله بعد به صورت دستی و از طریق کاغذبازی انجام می‌شود. پس از آن ارباب رجوع - که نامی بی‌اعتبار

برای شهروندان جامعه ماست - باید منتظر بماند تا 2 اداره مذکور سنگ‌هایشان را وا بکنند و مندرجات شیوه‌های الکترونیک و دستی را با هم تطبیق بدهند و کار به نتیجه برسد.

امین رحیمی / جام جم